

نقش انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی؛ با تاکید بر همگرایی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان

رضا آسوده^۱

دکتر حسین رفیع^۲

چکیده

اسلام سیاسی و تحولات آن در دو سده اخیر و به ویژه در سه دهه گذشته در جهان اسلام اهمیت بسیاری یافته و به تبع آن عرصه جهانی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. اهمیت این پدیده طرح مباحث علمی گسترده‌ای در باره ماهیت و چستی اسلام سیاسی و نیز علل ظهور آن را موجب شده است. اهمیت یابی اسلام سیاسی در جهان اسلام علی‌الخصوص جغرافیای غرب آسیا، از جهاتی متفاوت از عرصه جهانی آن می‌باشد. جهان اسلام، اسلام سیاسی و هر جریان اسلام گرا را به عنوان پدیده‌ای بومی می‌نگرد و آن را بازگشت به هویت گذشته اسلامی خویش تلقی می‌کند. تحت تاثیر چنین نگرشی از دهه ۱۹۷۰ نقش اسلام در سیاست به نحو بسیار مهمی دچار تغییر و تحول شده است. گروه‌های اسلامی نه در مقام واکنشی ساده درون جامعه سیاسی، بلکه به صورت منبع دیدگاه‌های جدید و بدیع در باب توسعه و دگرگونی سیاسی ظاهر شده‌اند. انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش جنبش‌های اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، نوید بخش دوره جدیدی از ظهور اسلام بود که سایر ملت‌های اسلامی، از جمله شیعیان لبنان را به تکاپو واداشت. یکی از کشورهایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاثیر زیادی از انقلاب اسلامی ایران برده است کشور لبنان است. تأثیر انقلاب بر شیعیان لبنان بیش از هر چیز مرهون عواملی همچون اقدامات روشنگرانه امام موسی صدر در بین شیعیان لبنان، اشغال جنوب لبنان به وسیله اسرائیل و محرومیت شیعیان آن جا بود، این عوامل باعث شد تا لبنان به مناسب‌ترین محل برای رشد افکار انقلابی شیعه تبدیل شد. تاثیر انقلاب اسلامی در این کشور نمود بسیار روشنی دارد که در روابط بین‌المللی ایران و حزب‌الله به خوبی خود را نشان می‌دهد.

واژه‌گان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، گروه‌های اسلامگرا، گفتمان مقاومت.

۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) asoudeh_reza@yahoo.com

h.rafi@umz.ac.ir

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

مقدمه

بین ایرانیان و لبنانیها، علقه‌های فراوانی چون پیوندهای تاریخی علما و مردم جبل عامل با ایران در دوران صفویه، فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روحانی بلند آوازه ایرانی، امام موسی صدر به عنوان رهبر شیعیان لبنان، تشکیلات برجای مانده از او یعنی جنبش امل، حضور شیعیان بسیار در لبنان، کمک‌های انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران به محرومان لبنانی، مهاجرت و سکونت دائم تعدادی از اتباع لبنان در ایران و... وجود دارد. این پیوندها باعث شده است که انقلاب اسلامی ایران بیش از هر جا در لبنان مؤثر باشد. در لبنان، حزب الله بیش از هر گروه سیاسی اسلامی دیگر، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب چنین تأثیر شگرف شده است. این انگیزه‌ها را می‌توان در پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و کمک‌های تسلیحاتی و مالی ایران به حزب الله خلاصه کرد. انقلاب اسلامی و اعضای حزب الله لبنان بر اساس شعار اسلامی امام خمینی (ره)، رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) باید از بین برود، قسم یاد کرده‌اند که جنگ با اسرائیل را تا آخرین لحظه ادامه دهند. نگارنده مقاله در صدد است که در ابتدا شرح مختصری در خصوص گروه‌های اسلامگرا ارائه دهد و همچنین عواملی که باعث همگرایی بین حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران داشت را توضیح دهد.

مبانی نظری؛ سازه انگاری

مجموعه تلاش‌های فکری انجام گرفته در روابط بین‌الملل به نظریه‌هایی انجامیده است که بر اساس نسبت آنها با جهان (مسایل معرفت‌شناسی) به نظریه‌های تبیینی و تاسیسی قابل تقسیم‌اند. نظریه‌های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولت‌ها بوده که بر این اساس روابط میان دولت‌ها به عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده و در مقابل این، نظریه‌های تاسیسی قرار می‌گیرند قائل به این امر می‌باشند که واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از

طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می‌گیرند. در اوایل دهه ۸۰ ما شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حد فاصل میان نظریات تبیینی و تاسیسی قرار می‌گیرد (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷) از این طرح نو تحت عنوان سازه‌انگاری یاد برده می‌شود. سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه‌انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است.

این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵) و روابط میان دولت‌ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند.

در سازه‌انگاری از آن‌جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود. نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تأکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوسی که با لیبرال‌ها دارند اینست که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند در حالی که سازه‌انگاران علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهای مانند تعاملات بوجود می‌آیند. از میان

اندیشمندان این تئوری کراتاکویل، انف و کاتزنستاین بیشتر بر اهمیت هنجارها تاکید کرده اند.

در اینجا خلاصه ای از تئوری سازه انگاری از دید سه اندیشمند برجسته این مکتب را بیان می‌کنیم:

راگی سازه انگاری اجتماعی را آگاهی بشری و نقش در امور بین الملل می‌داند که متکی بر بعد بین ذهنی کنش بشری است. وی بیان می‌کند که هویت های بازیگران و منافعشان از لحاظ اجتماعی ساخته شده اند و حقیقت های اجتماعی برای دوام شان نیاز به نهادهای بشری (پول، ازدواج، حاکمیت و...) دارند.

تاهامو، سازه انگاری را چارچوبی برای تحلیل روابط بین الملل می‌داند که ریشه اش به جامعه شناسی بر می‌گردد و دارای فرضیات مشترکی با مکتب انگلیسی است. (لینکلتر، ۱۳۸۶: ۲۱۰) در این رهیافت دولت ها را به مثابه موجودات اجتماعی اند، که رفتارشان از قواعد، هنجارها، نهادها و هویت ها مشتق شده است. وی سازه انگاری را به عنوان یک آلترناتیو تئوریک در مطالعه روابط بین الملل می‌داند.

ونت در تئوری اجتماعی سیاست بین الملل بیان می‌کند که تعامل میان بازیگران بستگی به ساختار دانش سیستم بین الملل دارد. دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند. تاثیر و هستی فرهنگ جدا از عقاید اشخاص نمی‌تواند باشد اما در عین حال به آنها نیز محدود نمی‌شود بلکه بستگی به چگونگی مفهوم سازی دیگران دارد. ونت به سه سطح کلان از ساختارهای دانش یا فرهنگ به نام های هابزی، کانتی و لاکی اشاره می‌کند. رفتار دولت ها در سیاست خارجی بستگی به نوع فرهنگی است که در خود درونی کرده اند. در فرهنگ هابزی تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد، تاکید زیادی بر فاکتورهای نظامی دارد و اگر جنگی هم رخ دهد دولت ها زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکی دولت ها علی الرغم تضادهای که دارند به حاکمیت هم احترام می‌گذارند قدرت نظامی مهم است اما یک اولویت نیست. در فرهنگ کانتی دولت ها منازعات خود را

بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌کنند و دولت‌ها به صورت تیمی عمل می‌کنند. دولت‌ها بر حسب نوع درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند (Maja, 2002: 157) و به تبع وضعیت نقش آنها نیز متفاوت خواهد بود.

به نظر ونت سازه‌انگاری یک تئوری ساختاری از سیستم بین‌الملل است که:

۱- دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل کردن تئوری سیاست بین‌الملل می‌باشند.

۲- ساختارهای اساسی در سیستم دولت‌ها بین‌الدنی‌اند.

۳- هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط ساختارهای اجتماعی‌شان و در فرایند تعامل ساخته می‌شوند.

۴- ساختار و کارگزار به صورت متقابل بر هم اثر می‌گذارند.

مهمترین تأکید ونت بر هویت می‌باشد که در فرایند تعامل بین دولت‌ها ایجاد می‌شود.

در نهایت دیوید پاتریک هاگن (ونت، ۱۳۸۵: ۲۲۷) اشتراکات میان شاخه‌های مختلف سازه‌انگاری را به صورت زیر بیان می‌دارد:

-اولین اشتراک تفاوت میان حقایق تاسیسی و مفروض است، اینکه مسائل اطراف ما بستگی به عقاید ایده‌ای ما به آنها دارد. تقریباً تمام سازه‌انگاران به فاکتورهای ایده‌ای در تعیین حقایق اجتماعی توجه دارند.

-ساختار و کارگزار متقابلاً ساخته می‌شوند و یکی بر دیگری برتری و تسلط ندارد.

-ایده‌ها، هویت‌ها منافع دولت‌ها را شکل یا تکوین می‌دهند و تأکید خاصی بر ایده‌های جمعی و هنجارها دارند همان‌طور که فینمور و سکینک نوشته‌اند، فاکتورهای ایده‌ای قابل تقلیل به اشخاص نیستند.

-چهارمین فاکتور مشترک را هویت‌ها می‌داند که این مورد توسط انسان‌ها و ایده‌هایشان ساخته می‌شود.

اندیشمندان سازه‌انگاری علاوه بر اشتراکاتی که بین آنها در زمینه تاکید بر فاکتورهای ایده‌ای و فکری وجود دارد اما در عین حال تفاوت‌های نیز بین آنها وجود دارد که عمده این تفاوت‌ها در تعیین سطح تحلیل این اندیشمندان می‌باشد (Houghton, 2007, 24-45) و این امر باعث شده است تا شاهد شاخه‌های متعددی در این تئوری باشیم. برای مثال الکساندر ونت به اهمیت تعاملات دولت‌ها روی سیستم بین‌الملل، کاتزنستاین به اهمیت هنجارهای ملی در سیاست بین‌الملل، توماس رایس به اهمیت هنجارهای فراملی (منطقه‌ای و یا بین‌المللی) در سیاست‌های داخلی و توماس دایز به اهمیت اشکال حکمرانی (شبکه‌ای، جامعه اقتصادی، دولت فدرال و همکاری دولت‌ها) بر بازیگران سیاسی توجه اساسی دارند.

گفتمان مقاومت و ضد سلطه انقلاب اسلامی

گفتمان مقاومت بخش جدایی‌ناپذیر هویت جمهوری اسلامی ایران است که بعد از پیروزی انقلاب برای حفظ استقلال سیاسی کشور، بر سیاست خارجی ایران حاکم بوده است. گفتمان مقاومت و ضد سلطه یک بعد تاریخی و یک بعد دینی دارد. از بعد تاریخی، سیاست سلطه‌ستیزانه ایران در شرایط تاریخی و ژئوپولیتیک ایران ریشه دارد. رضوانی محقق ایرانی معتقد است:

برای ایران، گذشته همیشه حاضر است. ترکیب ناسازگار غرور در فرهنگ ایرانی با احساس قربانی شدن، یک مفهوم مهارنشده‌ای از استقلال و یک فرهنگ مقاومت نسبت به امر و نهی و سلطه قدرت‌های خارجی در بین مردم ایجاد کرده است. سیاست خارجی ایران در چنین احساسات گسترده‌ای ریشه دارد (رضوانی، ۱۳۸۸: ۱۲). این گفتمان، از بعد دینی نیز مبتنی بر قاعده اسلامی «نفی سیل» می‌باشد که در قانون اساسی در قالب «نفی سلطه جویی و سلطه‌پذیری» و در سیاست خارجی در قالب «نه شرقی، نه غربی» تجلی پیدا کرده است (زارعی و دیگران ۱۳۹۳، ۱۸۲-۱۶۷). بر اساس این اصل مذهبی، حکومت اسلامی باید

در سیاست خارجی طوری رفتار کند که تحت سلطه سایر قدرت‌ها قرار نگیرد. (Eftekhari, 2007: 34) از نظر امام خمینی قتی «اگر روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان، موجب استیلای آنان بر بلاد مسلمین یا نفوذ بر اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین گردد بر رؤسای دولتها حرام است که چنین روابطی داشته باشند». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱/۵۵۲)

در راستای گفتمان مقاومت، یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های رفتار سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی در سطح منطقه، حمایت از جریان مقاومت (سوریه، لبنان و فلسطین) و در سطح بین‌المللی ضدیت با نظام سلطه و نظام امپریالیستی بوده است (محمدنیا ۱۳۹۳). این سیاست منجر به شکل‌گیری نقش هویتی خاصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است: یعنی تصور ایران به عنوان یک دولت مستقل (Moshirzadeh, 2007: 529). ایران برای تثبیت استراتژی ضد سلطه‌اش، به دنبال همکاری صلح‌آمیز و ائتلاف با نیروهای ضد هژمون چه در سطوح دولتی و چه در سطوح غیر دولتی بوده است. در این راستا ایران در تلاش بوده است تا یک جبهه ضد امپریالیستی در جهان سوم و دنیای اسلام توسعه دهد (Dehghani Firozabadi, 2008: 1).

جمهوری اسلامی ایران در راستای گفتمان ضد هژمونیک و مقاومت خود در استراتژی عمده را دنبال می‌کرده است: سیاست نگاه به شرق و ائتلاف جنوب - جنوب. در چارچوب سیاست نگاه به شرق، ایران همواره در تلاش بوده است تا یک ائتلاف استراتژیک با قدرت‌های شرقی به ویژه چین و روسیه ایجاد کند. در این راستا ایران به دنبال عضویت کامل در سازمان همکاری‌های شانگهای بوده است. مقامات ایران جمهوری اسلامی ایران در راستای گفتمان ضد هژمونیک و مقاومت خود در استراتژی عمده را دنبال می‌کرده است: سیاست نگاه به شرق و ائتلاف جنوب - جنوب. در چارچوب سیاست نگاه به شرق، ایران همواره در تلاش بوده است تا یک ائتلاف استراتژیک با قدرت‌های شرقی به ویژه چین و روسیه ایجاد کند. در این راستا ایران به دنبال عضویت کامل در سازمان

همکاری‌های شانگهای بوده است. مقامات ایران معتقدند که شکل‌گیری یک محور ضد آمریکایی که شامل قدرت‌های هسته‌ای از جمله چین، روسیه و هند باشد، توانایی این را خواهد داشت تا به عنوان یک قطب و قدرت بازدارنده در آسیا در مقابل سیاستهای یک جانبه‌گرایانه آمریکا به ویژه در مقابل حمله پیش‌دستانه آمریکا به ایران، عمل نماید. مهم‌ترین تلاش سیاسی جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست ضدژئومونیک خود، برگزاری اجلاس جنبش عدم تعهد (NAM) با شرکت ۱۲۰ کشور در تهران بود. (۱۰-۱۳۹۱/۰۶/۹) شعار این جنبش در تهران با عنوان «صلح پایدار در سایه مدیریت مشترک» بیانگر این بود که جمهوری اسلامی ایران با نپذیرفتن نظام مدیریتی موجود در تلاش است با بهره‌گیری از ظرفیت سیاسی این جنبش، نظام مدیریتی جدید جهانی که فارغ از هرگونه سلطه قدرتهای بزرگ باشد، ایجاد نماید. هرچند بسیاری از اعضای این جنبش عملاً یا تحت سلطه قدرتهای بزرگ و یا در راستای منافع خود، همکاری‌های استراتژیکی با آنها دارند. با این وجود، از یک سو حمایت جنبش عدم تعهد از حق ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و مخالفت آنان با هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای این کشور، یک موفقیت سیاسی برای ایران به شمار می‌رود، به ویژه در شرایطی که قدرتهای بزرگ به دنبال انزوای هرچه بیشتر سیاسی و اقتصادی ایران از صحنه بین‌المللی هستند. از سوی دیگر، ایران در تلاش است با استفاده از پتانسیل سیاسی کشورهای منطقه، حمایت لازم از کشورهای را در مجامع بین‌المللی به دست آورد و با بهره‌برداری از قدرت مجموعه‌ای و انفرادی آنها چالش‌های سیاسی خود را با نظام سلطه در زمینه حقوق بشر، تروریسم و پرونده هسته‌ای کاهش دهد. (دهقانی فیروز آبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۲۹۲)

جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در دولت احمدی‌نژاد، در تلاش بوده است تا با ایجاد یک محور ضد سلطه از طریق توسعه ائتلاف جنوب - جنوب به کشورهای آمریکای لاتین همچون ونزوئلا، نیکاراگوئه، بولیوی و سایر کشورهایی که جهت‌گیری ضد امپریالیستی دارند، بتواند از یک طرف، تأثیر گذاری تهدیدات سیاسی - امنیتی و تحریم‌های اقتصادی

غرب را علیه ایران کاهش دهد و از طرف دیگر به لحاظ ژئوپولیتیک در حیات خلوت آمریکا صاحب نفوذ استراتژیک شود. در واقع، ایران می‌خواهد با قرار دادن امریکای لاتین در عمق استراتژیک خود، موازنه‌ای را در مقابل حضور آمریکا در خلیج فارس، آسیای مرکزی، عراق و افغانستان ایجاد کند (صانعی، ۱۳۸۸: ۲۶۳). مخالفت با امپریالیسم، نئولیبرالیسم، جهانی شدن الگوهای غربی مهم‌ترین عناصر همبستگی بین ایران و کشورهای امریکای لاتین است. (Ratus and Furtig, 2009)

حزب الله لبنان

«حزب الله» لبنان پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و در پی وخامت اوضاع، توسط برخی از شیعیان لبنان از جمله شیخ صبحی طفیلی، سید حسین موسوی و برادر او سید عباس موسوی، ابراهیم امین و حسن نصرالله به وجود آمد. انقلاب اسلامی ایران الهام بخش مهمی در پیدایش این جنبش بود (کدیور، ۱۳۷۹: ۱۱۶). تمام این افراد در دو نکته با یکدیگر اتفاق نظر داشتند:

۱. اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از رهبر انقلاب اسلامی ایران؛

۲. مقابله با اسرائیل؛

اینان دریافته بودند که گروه‌های موجود در لبنان نمی‌توانند برای لبنان کاری انجام دهند. آنان با بهره‌گیری از تجارب و موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران، درصدد ایجاد تشکیلاتی جدید برای تحقق بخشیدن به نظریه‌های اسلامی و اهداف مورد نظر خود بودند. این عوامل موجب گردید تا این نیروهای متفرق تحت سرپرستی و نظارت ایران، در یک تشکیلات واحد و جدید ادغام شوند. دولت ایران از طریق سفیر خود در دمشق (علی اکبر محتشمی) و سپاه پاسداران (مستقر در بعلبک) زمینه را برای گردهمایی و مذاکره کادرهای این مجموعه‌های اسلام‌گرا فراهم نمود. پس از مذاکرات اولیه، یک کمیته ۹ نفره تأموریت یافت تا برای جریان‌های اسلامی متفرق، یک تشکیلات سیاسی جدید براساس

پابندی به ولایت فقیه و نبرد با اسرائیل پی ریزی کند. مجموعه این گروه‌ها که به عنوان «شورای لبنان» شناخته می‌شد، در مه ۱۹۸۴ به نام «حزب الله انقلاب اسلامی لبنان» تغییر نام داد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۸).

حزب الله در واقع بازوی سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در لبنان به شمار می‌آید، این مطلب از نامه سرگشاده حزب الله معروف به «مانیفست حزب الله» که در سال ۱۹۸۵ به طور رسمی انتشار یافت و همچنین اذعان داشتن رهبران این جنبش بر این مساله به دست می‌آید. در نامه سرگشاده حزب الله آمده است: «تعهد خود را نسبت به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه و عادلانه ولی فقیه جامع شرایط که در حال حاضر در شخص امام آیه الله العظمی روح الله موسوی خمینی تجلی یافته است، اعلام می‌داریم وی برانگیزاننده انقلاب مسلمانان و نهضت باعظمت آنان می‌باشد» (همان، ۱۹۲-۱۹۳).

لازم به ذکر است که حزب الله در سالها آخر دهه ۸۰ روابط خوبی با امل نداشته و حتی درگیری‌های نیز بین آنها صورت گرفته بود، تا اینکه با میانجی‌گری ایران از اواسط ۱۹۸۸ میلادی به بعد، این اختلافات کاهش یافت و در نهایت در اوایل ۱۹۸۹ میلادی با شرکت نیروها ملی - مذهبی لبنان در کنفرانس تهران، این دو گروه اختلافات را کنار گذاشتند و کدورت بی ایران و امل، پس از سفر نیبه بری به ایران در سال ۱۹۸۹ میلادی پایان یافت و گروه‌ها شیعی به آشتی رسیدند (فراستی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۸؛ پرغو، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

پیروزی انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و تحت تأثیر آن، جهان اسلام متحول شد (صدیق، ۱۳۹۸: ۱۶۲)، زلزله‌ای در منطقه پدید آورد و بر آرایش پیمان‌های موجود در آن و نیز میزان نفوذ قدرت‌های بزرگ در آن و منافع آن از طریق این پیمان‌ها تأثیر فراوانی گذارد. از نخستین روزهای پیروزی، سفارت اسرائیل در ایران تعطیل و به جای آن سفارت فلسطین ایجاد شد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سفارت امریکا را اشغال و

برنامه‌ها و نقشه‌های جاسوسی آن را افشا کردند. ایران درهای خود را به روی سازمان‌ها، احزاب، کشورها و نیروهای مختلف در جهان، برای همکاری در چارچوب سیاست دولت نوپای اسلامی گشود و کنفرانس‌های متعددی را برای وحدت اسلامی، مسئله فلسطین و ... برگزار کرد.

روحانیون و گروه‌های اسلامی در لبنان، این دولت اسلامی را مایه امید و پشتوانه‌ای برای خود یافتند. حزب‌الله نیز هنگام تأسیس، تحقق آرمان‌ها و اهداف خود را از طریق حمایت و تأیید جمهوری اسلامی ایران ممکن یافت و اعزام نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پس از تجاوز اسرائیل، به منظور آموزش جوانان لبنانی علاقمند به نبرد با اسرائیل، کمک‌های ارائه شده به لبنان برای حمایت از مقاومت این کشور و مشارکت در تأمین نیازهای اجتماعی موجود، نمونه‌هایی از این حمایت است.

از طرفی پس از تجاوز نظامی اسرائیل در خرداد ماه ۱۳۶۱ و بطلان تمامی طرح‌های مسالمت‌جویانه در برخورد با اسرائیل یا همکاری با آمریکا، اصل تأیید شده توسط انقلاب اسلامی ایران، یعنی مقاومت و ایستادگی در برابر ظالم، از مقبولیت و اعتبار خاصی برخوردار شد؛ در نتیجه زمینه برای ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای شیعه و تأسیس یک تشکیلات واحد به نام حزب‌الله لبنان فراهم شد. این تشکیلات اسلام‌گرای جدید، بیشترین آمادگی را برای پذیرش آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از خود نشان داد.

حزب‌الله حامل همان ایدئوژنی بود که انقلاب اسلامی ایران پیام آور آن است؛ یعنی اتکا به توان خود برای سرکوب دشمن. به همین دلیل ایران، حزب‌الله لبنان را نوک پیکان مبارزه علیه اسرائیل به حساب آورده و حمایت معنوی از آن را در سرلوحه سیاست‌های خود (بر اساس اصل حمایت از مظلوم) قرار داد. افزون بر این فضای ویژه لبنان و حضور قدرت‌های مختلف، دولت جمهوری اسلامی ایران را واداشت تا برای حمایت مؤثر از

مظلومیت مسلمانان، در عرصه مبارزه لبنان نیز حاضر شود و در امر مهم برخورد با رژیم صهیونیستی، حضوری مؤثر داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران در خصوص حضور خود در لبنان در سال ۱۳۶۱، معتقد بود که این حضور نخستین نقطه تماس مستقیم میان انقلاب اسلامی ایران و یک طایفه بزرگ شیعی مذهب در جهان عرب - که پس از عراق، به عنوان بزرگ ترین طایفه شیعه در میان کشورهای عربی به شمار می رود. خواهد بود. بدین ترتیب از این پس، ایران یک بازیگر رهبر گونه در اداره امور این طایفه خواهد بود و شیعیان لبنان را به عنوان پایگاه و دریچه ای مناسب، در جهت توسعه نفوذ خود در قلب چالش عرب ها و اسرائیل تبدیل خواهد کرد. ایران با حضور در لبنان، می تواند زمینه گسترش مرزهای تنگ ژئوپلیتیک جنگ با عراق را گسترش دهد و نیز با اثرگذاری بر گروه های بیشتری در جهان عرب، امیدوارانه تر قدم بردارد. رهبران و اعضای حزب الله، به این تاثیر انقلاب اسلامی بر صحنه سیاسی لبنان و به خصوص بر شیعیان این کشور اذعان دارند و با افتخار از آن یاد می کنند. سید ابراهیم الامین، سخنگوی حزب الله در دهه هشتاد می گوید: «صدور انقلاب به معنای تسلط نظام ایران بر ملت های منطقه خاورمیانه نیست، بلکه به معنای جدید اسلامی منطقه می باشد، تا آنچه بر این ملت ها مسلط شود، اسلام باشد». سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، در پاسخ به این سوال که خط فکری و سیاسی حزب چیست؟ چنین عنوان می کند:

اسلام برای ما، دین مسجد و مدرسه و خیابان و دولت و نهادهای آن می باشد. دین قادر به برپایی انقلاب و اقامه دولت است... همان گونه که در ایران ثابت شد، اسلام قادر است در مشکل ترین شرایط و بدترین تهدیدها، انقلاب بر پا کند و اقامه دولت نماید. همچنین، سید ابراهیم الامین در خصوص رابطه ایران و شیعیان لبنان می گوید: «ما نمی گوییم که بخشی از ایران هستیم، ما ایران در لبنان و لبنان در ایران هستیم» شیخ حسن طراد، یکی دیگر از روحانیون حزب الله نیز در این خصوص بیان می کند: «ایران و لبنان یک ملت واحد و یک کشور واحد هستند و همانگونه که یکی از علمای بزرگ ایران می گوید، ما

از لبنان پشتیبانی سیاسی و نظامی می‌کنیم»، به گفته شیخ علی یاسین، یکی دیگر از روحانیون فعال حزب الله، اگر حمایت ایران نبود، این حزب به پنجاه سال وقت نیاز داشت تا به دست آوردهای فعلی خود نایل گردد. تاثیر پذیری حزب الله از آموزه های انقلاب اسلامی، در واقع از جمله عوامل موثر در گرایش این حزب به استفاده از الگوی مقاومت و کاربرد روش های قهر آمیز بر ضد اسرائیل می باشد. زیرا مهم ترین مساله در کاربرد این روش ها، آن است که استدلال های قوی ایدئولوژیک و عقیدتی، قادر باشد که این گونه اعمال را توجیه کند و وجدان فرد عمل کننده را راضی نماید. به گونه ای که بدین باور برسد که عمل او جرم نیست، بلکه عملی است مشروع و صحیح که برای رسیدن به هدفی متعالی انجام می پذیرد.

مؤلفه های همگرایی حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران

۱. ولایت فقیه و رهبری امام خمینی

مهم ترین و اصلی ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب الله لبنان و انقلاب اسلامی ایران پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی است. از هنگام پیدایش حزب الله تاکنون مفهوم و نقش ولایت فقیه جزء جدایی ناپذیر مبانی فکری و عملی حزب الله بوده است. رزمندگان دلیر حزب الله با بهره گیری از عوامل معنوی از جمله ولایت محوری در مقابل دشمن می ایستند چرا که در نظر ایشان: «هر گونه مقابله، مبارزه، مقاومت و جهاد بدون ولایت و امامت و اطاعت از رهبری میسر نخواهد بود. سید ابراهیم الامین از رهبران تشکیلات حزب الله در این خصوص چنین بیان می دارد: «ما در روند تصمیم گیری صرفا بر فقیه تکیه داریم. فقیه مرز جغرافیایی نمی شناسد بلکه این مشروعیت اسلامی است که فقیه آن را معرفی می کند. به همین شکل، هیچ فاصله ای میان مسلمانان لبنان و مسلمانان ایران وجود ندارد. ما در لبنان خود را جدا از انقلاب اسلامی ایران نمیدانیم، به ویژه در مورد

بیت المقدس از خدا می‌خواهیم که ما را به عنوان بخشی از ارتش به حساب آورد که امام خمینی تمایل به تشکیل آن، برای آزاد سازی بیت المقدس دارد. ما از فرامین امام پیروی کرده و به جغرافیا اعتقاد نداریم» (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

بر این اساس مشاهده می‌شود که حزب الله مهم‌ترین ویژگی خود را در پیوند دادن مردم با ولی فقیه می‌داند. ولی فقیه‌ای که نباید ضرورتاً لبنانی باشد زیرا این جغرافیای اسلام است و نه جغرافیای لبنان که مرز و عرصه فعالیت‌های حزب الله را مشخص می‌سازد. سید حسن نصرالله در خصوص تمکین حزب الله از رهبری امام خمینی می‌گوید: «از نظر ما، امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه می‌باشد. همان‌گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این‌گونه هست. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است. به طوری که موفق شد روح امید را در جان‌های مستضعفان بدمد. ایشان نظریه اراده ملت‌ها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است. نه تنها برای ما بلکه برای همه مستضعفان جهان».

۲. فرهنگ سیاسی

واژه‌ها و اصطلاحات موجود در فرهنگ سیاسی حزب الله لبنان، اکثراً متأثر و برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که در انقلاب اسلامی و نظامی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی و محوری در فرهنگ سیاسی حزب الله لبنان، تقسیم جهان برحسب نظر امام خمینی به دو گروه مستکبران و مستضعفان است. این تقسیم دوگانه، محور اصلی اندیشه سیاسی حزب الله است تا آنجا که در سخنرانی‌های همه مسئولان و رهبران حزب الله به آن اشاره می‌شود (سعد غریب، ۱۳۸۴: ۳۹).

علاوه بر این عباراتی نظیر «اسرائیل غده سرطانی» «صهیونیسم ستیزی»، «آزادی قدس»، «روز قدس»، «ولایت فقیه» و ... متأثر از فرهنگ انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی و سخنان امام خمینی است (گرمابدشتی، ۱۳۹۳).

۳. محوریت روحانیت در عمال سیاسی

از محوریت آغاز تشکیل و حرکت حزب الله، روحانیت نقش بسیار مهمی در آن داشته است. در ایجاد تشکیلات حزب الله روحانیون نظیر سید عباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ حسین کورانی، سید حسن نصرالله، سیدابراهیم امین نقش اساسی ایفا کردند. جایگاه ویژه روحانیون در حزب الله، به نفوذ روزافزون این حزب در میان شیعیان لبنان انجامید و در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای سنی، نفوذ بسیار گسترده‌ای در میان طایفه مذهبی خود پیدا کرد. علت این تفاوت، به نفوذ و نقش روحانیون شیعه در مذهب شیعه مربوط می‌شود. البته گسترش نفوذ روحانیون شیعه در لبنان، در واقع یکی از تأثیراتی است که شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران پذیرا شده‌اند. روحانیون شیعه دو نقش مهم در حزب الله ایفا می‌کنند: اول اینکه، ارتباط میان ولی فقیه و پیروان لبنانی وی را برقرار می‌سازند. دوم اینکه، ضمن حفاظت و صیانت از ماهیت اسلامی حزب الله، توجیحات شرعی برای اعمال و مواضع حزب الله، از جمله مقاومت و مبارزه در برابر اسرائیل را بیان می‌نمایند (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

۴. روش‌های تبلیغاتی

روشها و شیوه‌های تبلیغاتی مورد استفاده حزب الله کاملاً متأثر از شیوه‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بوده است. در فعالیت‌های حزب الله لبنان و انقلاب اسلامی ایران، مسجد جایگاه ترویج اصول و آموزه‌های اسلامی و همچنین مکانی برای

بسیج مردم بود. حزب الله لبنان در آغاز ارتباط مردم، طریق خطابه و سخنرانی در مساجد با مردم را پیش گرفت. استفاده از مناسبات دینی و سیاسی برای اعلام موجودیت مثل روز عاشورا، روز قدس، در تشییع پیکر شهداء و با برگزاری تظاهرات گسترده مردمی، قدرت پشتوانه مردمی خود را نشان می‌دهد (همان، ۱۸۵).

۵. نمادگرایی شیعه

استفاده از نمادهای اسلامی شیعی برای بیان بعضی مفاهیم انقلابی یکی از روشهایی است که در انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفت. مثلاً برای انتقال موفق پیام جهاد و شهادت از نمادهایی مثل عاشورا و شهادت امام حسین ابر جنگ های پیامبر اسلام و حضرت علی الا استفاده می‌شود (همان، ۱۸۷-۱۸۸). نمادگرایی حزب الله و استفاده از سمبل های مذهب شیعه، باعث می‌گردد که افراد با پیوستن به این حزب، از لبنانی بودن یا عضو یک طایفه محروم بودن در کشوری که به وسیله جنگ میان طوایف و متعدد پاره پاره شده بود، دست بردارند. روحانیون، رهبران و اعضاء و هواداران عادی حزب می‌توانستند که از حدود پیمان ها و وابستگی تنگ نظرانه تجاوز کنند و به آرمان بزرگی چنگ بزنند که از حدود و ثغور خانواده، عشیره، طایفه یا دولت فراتر می‌رفت (همان، ۱۸۹).

۶. مبارزه حزب الله با رژیم صهیونیستی

پس از تهاجم صهیونیست ها به لبنان (۱۹۸۲) منجر به خالی شدن صحنه جنوب لبنان از مقاومت فلسطین شده بود و همچنین به دلیل گرایش جنبش امل از نظامی گری به مسایل سیاسی، صحنه مبارزه با صهیونیستها خالی مانده و هیچ گروهی انگیزه کافی جهت مبارزه را نداشت. در چنین شرایط سختی، تنها عاملی که می‌توانست این ضعف و ناامیدی را از مردم به ویژه شیعیان لبنان بزدايد. بروز یک اعتقاد عمیق مذهبی و توجه به خدا بود. انگیزه

اساسی این اعتقاد در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی به وجود آمده بود و فقط نیاز به اجابت داشت (میرباقری، ۱۳۸۲: ۱۳۴-۱۳۵).

از آن پس مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله در خط مقدم نبرد با صهیونیستها بوده است. فرهنگ شهادت و روحیه شهادت طلبانه از تأثیرات مهم انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی لبنان بوده که در نبرد با صهیونیستها کارایی بسیار بالایی داشته است.

نتیجه گیری

از آنچه گفته شد، مشخص شد که ایده‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بیش و پیش از هر سرزمین و جامعه‌ای در میان شیعیان لبنان اشاعه و انتشار یافته و بر حزب الله لبنان تأثیر گذار بوده است. در واقع، شکل‌گیری و رشد و توسعه و همچنین اندیشه‌ها و اصول سیاسی و اجتماعی حزب الله، شدیداً تحت تأثیر آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. مهم‌ترین دلیل این تأثیر گذاری و تأثیر پذیری عظیم، محیط همگرا پذیری حزب الله با محیط جمهوری اسلامی ایران بوده که حزب الله را به محیطی مساعد و مستعد تأثیر پذیری از اندیشه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی تبدیل کرده بود.

این پژوهش میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران، بر ای جنبش حزب الله را، بر اساس تئوری سازه‌انگاری بررسی کرده و به ای نتیجه دست یافته که این انقلاب، بیشترین تأثیرگذار را بر حزب الله لبنان داشته و از بعد فرهنگی، اجتماعی و امنیتی‌بشترین همگرایی و هم آمیختگی بین جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان در جهان اسلام شکل گرفت. می‌توان مولفه‌هایی که باعث همگرایی گردید را بدین گونه شرح داد: اسلام سیاسی، اندیشه حکومت دینی (نظریه ولایت فقیه)، فرهنگ جهاد، مقاومت و شهادت طلبی، محوریت روحانیت در مبارزات و قرارگرفتن مساجد، به عنوان کانون مبارزات و ... همچنین این پژوهش، به این نتیجه رسیده که حزب الله بدلیل بیشترین وجوه اشتراک با

انقلاب اسلامی توانسته بیش از همه احزاب و جنبش‌های و گروه‌های سیاسی-اسلامی، پیام انقلاب اسلامی ایران را دریافت و اجرا کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱) اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). **از مقاومت تا انقلاب**، تهران: اندیشه سازان نو.
- ۲) اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲). **جنبش حزب الله لبنان: گذشته و حال**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳) امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹). **تحریر الوسیله**، ج ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۴) پرغو، محمدعلی (۱۳۸۴). **تحولات لبنان در گستره تاریخ**، تبریز: بسیج اساتید استان آذربایجان شرقی.
- ۵) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، و نوری، وحید (۱۳۹۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول گرایی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶) رضانی، روح الله (۱۳۸۸). «درک سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه روابط خارجی**، دوره ۱، شماره ۱.
- ۷) زارعی، بهادر؛ زینی وند، علی و محمدی، کیما (۱۳۹۳). «قاعده نفی سیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۱۰، شماره ۳۶.
- ۸) سعد غریب، امل (۱۳۸۴). **دین و سیاست در حزب الله**، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: اندیشه سازان نور.
- ۹) صدیق، میر ابراهیم (۱۳۹۸). «تأثیر انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) بر جنبش‌های اسلامی عراق»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره ۵، بهار.
- ۱۰) فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۱). **انقلاب اسلام و بازتاب آن**. قم: زلال کوثر.
- ۱۱) کدیور، جمیله (۱۳۷۹). **رویاریوی انقلاب اسلامی ایران**. تهران: اطلاعات.
- ۱۲) کرمی، جهانگیر (۱۳۸۴). **تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مساله غرب**، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۳) الکساندر ونت (۱۳۸۵). **نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه.

۱۴) گرمابدشتی، سکینه (۱۳۹۳). «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب الله لبنان»، **فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش**، شماره ۱۸، تابستان.

۱۵) لینکلتر، آندرو (۱۳۸۶). **نو واقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب‌سازی**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.

۱۶) محمدنیا، مهدی (۱۳۹۳). «سازهانگاری کلی‌گرا: رهیافتی جامع برای توضیح رفتارهای سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، پاییز، شماره ۳۸.

۱۷) میرباقری، یزدان (۱۳۸۲). **حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان**، تهران: اندیشه سازان نور.

۱۸) ناصر هادیان (۱۳۸۲). «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۱۷، شماره ۴، زمستان.

- 19) David Patrick Houghton (2007). "Reinvigorating the Study of Foreign Policy Decision Making: Toward Constructivist- Approach", *Foreign Policy Analysis*, Vol.3, NO.1 (January) PP. 24- 45.
- 20) Dehghani FirozabAbadi, S. J (2008). "Emancipating Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran's Foreign Policy" *The Iranian Journal of International Affairs* XX, No.3
- 21) Donatella della Porta and Marid Diani, *Social Morements: an Introdction*, (Dxford: Blackwell Publishers, 1999).
- 22) Eftekhari, Asghar (2007). "The fixed principles of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran." *The Iranian Journal Of International Affairs* xix, No.2.
- 23) Moshirzadeh, Homeira (2007). "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy." *Security Dialogue* 38. No.4.
- 24) Zehfuss, Maja (2002). *Constructivism in International Relations*, (london: Cambridge Univ Pr), p, 157.